



An examination and interpretative critique of the Quranic statement "And the male is not like the female" regarding the patriarchy in the Quran, with an emphasis on the speaker's interpretation

Kamran Oveisi^{*1}, Ebrahim Namdari², Mahdi Mohamadi³, Askar babazadeh aghdam⁴

1. Associate Professor of Islamic Studies University, Qom, Iran.
2. Associate Professor, Department of Quranic And Hadith Sciences, university of Ayatollah Boroujerdi, Boroujerd, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Persian language and literature, university of payam noor, Tehran, Iranmehd.
4. : Associate Professor of Arabic Language and Literature, University of Science and Knowledge of the Holy Quran.

DOI:10.22034/nrr.2024.63822.1385

URI: https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_18970.html

Corresponding Author:
Kamran Oveisi

Email:
oveysi@maaref.ac.ir

Received: 2024/10/03

Detected: 2024/11/29

Accepted: 2024/12/13

Available: 2024/12/19

Open Access



Keywords:

Al Imran, verse 36, interpretation, feminism, patriarchy, Maryam (peace be upon her).

ABSTRACT

The feminist perspective seeks to challenge texts such as the Quran, claiming they are rooted in patriarchy, based on the principle of gender equality. Contrary to this belief, there are numerous verses that specifically address women, honoring and praising them. This research employs a descriptive-analytical method to examine the interpretive statement of the Quranic verse "And the male is not like the female," aiming to provide a credible interpretive theory based on the views of commentators and the internal or external contexts of the verse in light of the mentioned doubt. Commentators have proposed two viewpoints regarding the speaker of the aforementioned Quranic statement: either it is the word of God or the speech of the Maryam's mother (peace be upon her). Some, like Meybodi, have considered the statement, regardless of its speaker, as indicative of the superiority of men over women. The results of this research indicate that the speaker of the Quranic phrase "And the male is not like the female" is the Maryam's mother (peace be upon her), which was either issued to compare the service of a daughter and a son to the temple or to highlight the status of Maryam (peace be upon her) over other male children who have even made vows for service to the synagogue, as well as to emphasize Mary's role in relation to the prophet who will heal the blind and the leprous and bring the dead to life by God's permission. This theory is also consistent with the narration regarding the occasion of the verse's revelation.



فصلنامه دین پژوهی و کارآمدی



بررسی و نقد تفسیری دلالت گزاره قرآنی «وَلَيْسَ الذَّكْرُ كَالْأُنْثَى» بر مردسالاری قرآن با تأکید بر کشف متکلم آن

کامران اویسی^{۱*}، ابراهیم نامداری^۲، مهدی محمدی^۳، عسگر بابازاده اقدم^۴

۱. دانشیار گروه معارف قرآن و حدیث دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران
۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آیت الله بروجردی، بروجرد، ایران
۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
۴. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران

DOI: 10.22034/nrr.2024.63822.1385

URI: https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_18970.html

چکیده

نگاه فمینیستی تلاش دارد تا مبتنی بر پذیرش اصل برابری جنسیتی، نصوصی چون قرآن را با ادعای مردسالاری تخطئه نماید. بر خلاف این تصور، آیات متعددی وجود دارد که نه تنها زنان را به صورت خاص مورد خطاب قرار داده؛ بلکه تکریم و تحسین نموده است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی در بررسی تفسیری گزاره قرآنی «وَلَيْسَ الذَّكْرُ كَالْأُنْثَى» کوشیده است تا بر اساس دیدگاه مفسران و قراین داخلی آیه یا خارج از آن نظریه تفسیری معتبری با توجه به شبهه مذکور ارائه دهد. مفسران درباره گوینده در گزاره قرآنی پیش گفته دو دیدگاه سخن خدا بودن یا کلام مادر حضرت مریم (س) بودن را مطرح کرده‌اند. برخی نیز مانند میبیدی آن گزاره را فارغ از گوینده آن، دال بر برتری مرد بر زن دانسته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد گوینده عبارت قرآنی «وَلَيْسَ الذَّكْرُ كَالْأُنْثَى» مادر مریم (س) بوده که یا به انگیزه مقایسه دختر و پسر در مقام خدمتگذاری به معبد صادر شده است و یا به انگیزه تفضیل مقام حضرت مریم (س) نسبت به دیگر فرزندان ذکوری که حتی نذر برای خدمتگزاری به کنیسه شده‌اند و نیز توجه به ظرف بودن مریم (س) نسبت به پیامبری که کور و برص را شفا خواهد داد و مرده را به اذن خدا زنده می‌کند. این نظریه با روایت شأن نزول مربوط به آیه نیز سازگار است.

نویسنده مسئول:

کامران اویسی

ایمیل:

oveysi@maaref.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۹/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۹/۲۹



دسترسی آزاد

کلیدواژه‌ها:

آل عمران، آیه ۳۶، تفسیر، فمینیسم، مردسالاری، مریم (س).

۱- طرح مسئله

وجود زن و مرد هرچند که از نظر هستی‌شناختی و روان‌شناختی با هم تفاوت‌هایی دارند؛ اما از نظر حقوقی و ارزش‌شناختی، امتیازی نسبت به هم بر اساس آفرینش و جنسیت ندارند. چنانچه آیات ناظر به اصل آفرینش انسان گواه این مدعاست. به عنوان نمونه، قرآن در سوره انعام می‌فرماید:

«وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» (انعام/۹۸)؛ و اوست که شما را از یک تن آفرید.

در این آیه خداوند ایجاد و خلقت همه انسانها چه زن و چه مرد را از یک حقیقت و سرشت می‌داند و تنها چیزی که معیار ارزش انسان قرار داده شده است، ایمان، اخلاق و عمل صالح است؛ چنانکه قرآن در این باره فرموده است:

«وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا» (نساء/۱۲۴)؛ و کسانی از مردان یا زنان که بخشی از کارهای شایسته را انجام دهند، در حالی که مؤمن باشند، پس اینان وارد بهشت می‌شوند و به اندازه گودی پشت هسته خرما مورد ستم قرار نمی‌گیرند.

به همین جهت است که در آیات متعدد، زنان نمونه و با تقوا الگوی زنان و حتی مردان قرار داده شده‌اند.

مانند:

«وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ» (تحریم/۱۱)؛ و خدا برای مؤمنان همسر فرعون را مثل زده است.

از جمله زنانی که قرآن، او را مظهر عفت و طهارت برشمرده است، حضرت مریم(س) است که در برخی آیات، به بخش‌هایی از سرگذشت زندگی او و یا فضیلت وی نسبت به دیگر زنان اشاره شده است. (ر.ک: آل عمران/۴۲) یکی از آیات قرآن که به بحث ولادت حضرت مریم(س) و نذر مادر او در آن هنگام اشاره دارد، این آیه است:

«فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (آل عمران/۳۶)؛ پس چون فرزندش را بزاد، گفت: «پروردگارا، من دختر زاده‌ام- و خدا به آنچه او زایید دانایتر بود- و پسر چون دختر نیست؛ و من نامش را مریم نهادم، و او و فرزندانش را از شیطان رانده شده، به تو پناه می‌دهم.»

در چپستی مسأله می‌توان گفت: مسئله اصلی پژوهش حاضر واکاوی دیدگاه مفسران درباره آیه مزبور است و به دنبال پاسخ به این سوال است که گوینده گزاره «وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ» خدا است یا مادر حضرت مریم(س)؛

همچنین دلالت این عبارت بر مردسالاری^۱ خطابات قرآنی قابل پذیرش است یا اگر پذیرفته نیست، چه دلایلی برای آن می‌توان یافت.

در چرایی مسأله باید توجه نمود که در میان برخی مستشرقان مانند بروکلیمان، مونتگری وات، گلدزیهر و یوسف دره حداد در پی اثبات شبهه اقتباس قرآن از مصادر پیشین یا فرهنگ زمانه بر آمده و مسأله حجاب، تعدد زوجات، ارث، دیه و ... را نشان از جایگاه منتزل زن در اسلام می‌دانند. (ر.ک: زمانی: ۱۳۹۱؛ ۲۱۸) به تبع چنین دیدگاهی، بعید نیست که در نگاه به آیه پیش‌گفته نیز چنین شبهه‌ای القا شود خطاب آیه نشان از جنسی بودن نگاه خدا در مورد تعبیر «وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنثَى» در برتری مرد نسبت به زن باشد؛ یعنی این مقاله دفع دخل مقدر حاصل از نگاه برخی مستشرقان را نیز بر عهده دارد.

همچنین به عنوان مبانی هرمنوتیکی و زبان‌شناختی دیدگاه جریان فمینیسم و طرفداران برابری جنسیتی زن و مرد -به ویژه رویکرد زبان‌شناختی فمینیسم اسلامی در کنار رویکردهای دیگر این جریان مانند رویکرد حقوقی و تاریخی (ر.ک: شیرزاد، ۱۳۹۵: ۱۲۴-۱۲۵) به آیات قرآن، این آیه جزو آیات دال بر توأم بودن خطابات داخل آن با جنسیت‌گرایی خدا محسوب شده است. (Badran, 2002, vol 2, pp 288-292; Giddens, 2009, p 615)

در چگونگی مسأله می‌توان گفت: این آیه از یک جهت برای اثبات شبهه مستشرقان در جایگاه منتزل زن در متون اسلامی قابل بهره‌برداری است و از یک سو در انتقاد از برداشت‌های مردسالارانه از قرآن و در پی ارائه خوانشی متناسب با جایگاه زنان در دوره معاصر برای فمینیست‌های اسلامی یا مسلمان قابل استفاده است، اما مقاله حاضر تلاش می‌نماید تا با رعایت انصاف و تتبع در دلالت آیه و دیدگاه مفسران ذیل آن، به نظریه درست تفسیری در کشف مراد الهی، دست یابد.

پیشینه پژوهش پیش رو را این‌چنین می‌توان تبیین نمود که گرچه به صورت عام مباحث فمینیسم اسلامی یا بحث خطابات قرآن مرتبط با مقاله حاضر هستند؛ مانند مقاله رهیافتی زبان‌شناختی به برابری جنسیتی در قرآن کریم؛ نقدی بر فمینیسم اسلامی به قلم محمدحسین شیرزاد و دیگران در سال ۱۳۹۵ ش در نشریه مطالعات قرآن و حدیث به شماره ۱۸؛ اما به گونه خاص، پیشینه‌ای پژوهشی در بررسی خطاب آیه ۳۶ سوره آل عمران با تمرکز بر بحث فمینیسم وجود ندارد. همچنین برخی مقاله‌ها مختص به سیمای مریم (س) در قرآن یا کتاب مقدس نوشته شده است که آن‌چنان عام از قضیه ولادت او در حد بیان نذر مادر مریم (س) مواجه شده است که نه بر تفسیر آیه مورد بحث، بلکه بر خطابات داخل آیه نیز متمرکز نشده است. مانند مقاله حضرت مریم نماد نیایش به قلم ناهید طیبی، منتشر شده در مجله کوثر در سال ۱۳۷۷ ش.

۱ . Patriarchal Nature .

۲- مفهوم شناسی واژه ذکر و انثی

قبل از ورود به بحث، سزاوار است تا دو واژه «ذکر» و «انثی» از لحاظ لغوی بررسی گردند؛ زیرا فمینیست‌های اسلامی با استشهاد به آیات، وابستگی طرفین زوجیت به یکدیگر را در سه گونه فیزیکی (روم / ۲۱)، معنوی (نجم / ۲۱) و اجتماعی (نساء / ۱) معرفی می‌کنند. (Wadud, 1999, p22) بنابراین عنوان نمودن زوجیت به رابطه زن و مرد، از منظر آنان نشانه تساوی ساحت فیزیکی و معنوی و حتی اجتماعی آنان است. آنان، آیات مشتمل بر واژگان ذکر و انثی را بر اساس واو عطف بین آنها و نیز عدم ذکر وجه تمایز خاصی بین آنها را نشانه دیگری بر تساوی جنسیتی در آیات قرآن می‌دانند. (Badran, 2002, vol 2, pp 289)

۲-۱- الذکر

کلمه ذکر در کلام عرب در هیأت‌های مختلف صرفی و با وجوه معنایی گاه گوناگون به کار رفته است که باید روح معنای آن را با توجه به موارد استعمالی آن، یادآوری دانست.

▪ الذَّكْرُ: با کسر ذال و سکون کاف، جاری شدن لفظ بر زبان را گویند. مانند آیه ۵۵ سوره ذاریات که تعبیر «ذَكْرًا» در آن به معنای امر به موعظه است. (ر.ک: نحاس، ۱۴۲۱: ۴ / ۱۶۸) در مقابل آن، سکوت و ترک سخن آمده است. (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۵ / ۳۴۶) گاهی نیز به معنای به خاطر سپردن یا یاد آوردن آمده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴ / ۳۰۸؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۶ / ۴۴۰) مانند آیه ۶۳ سوره کهف که از زبان جوانِ همراه حضرت موسی (ع) در تعبیر «أَنْ أذْكَرَهُ» به معنای «تا به یادش باشم».

▪ الذَّكْرُ: با ضم ذال و سکون کاف، این کلمه نیز به معنای یادآوری البته از نوع قلبی و بدون لفظ و سخن گفتن است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴ / ۳۰۸) مانند آیه ۱۹۸ سوره بقره و با توجه به تئوری که علامه طباطبایی در گونه-شناسی ذکر در آیه مذکور با آیه دهم سوره جمعه نموده است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲ / ۷۹)

▪ الذَّكْرُ: به فتح ذال و کاف در مقابل انثی، اسمی است دالّ بردستگاه جنسیت نر. از این رو مردان را ذَکَرٌ گویند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۳۰) البته بعضی از لغت‌پژوهان معتقدند مرد را از آن جهت ذَکَرٌ گویند که چون پسر بر خلاف دختر مظهر یادآوری پیشینیان خود است و به وسیله او پدراش به یاد آورده می‌شوند. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۳ / ۳۲۰)

آنچه در آیه مورد بحث به کار رفته است، معنای سوم لفظ «ذکر» یعنی ذَکَرٌ در مقابل انثی است.

۲-۲- الانثی

کلمه «انثی» در مقابل «ذکر» است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۹۳) و از ماده «انثت» به معنای نرمی و لطافت گرفته شده است. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱ / ۱۵۶) گاهی انثی بر موجودی اطلاق می‌شود که تنها اثرپذیر باشد. بدون

اینکه تأثیری بر شیء دیگر داشته باشد؛ همانند جمادات. از این جهت است که قرآن کریم اسم بت‌های مشرکان را مؤنث به کار برده است. مانند آیه ۱۱۷ سوره نساء.

البته کلمه انثی غیر از مؤنث است. مؤنث به لفظی گویند که به آن علامت تانیث ملحق شده باشد، هر چند که حقیقت و طبیعت آن مذکر باشد؛ همانند کلمه طلحة. در صورتی که انثی صفتی است که به حقیقتی که جنس آن مؤنث باشد اطلاق می‌شود. (مصطفوی؛ ۱۳۶۰ش: ۴/۱۷۰) لفظ مذکر نیز چنین است؛ زیرا بر کلمه‌ای اطلاق می‌شود که خالی از علامت تانیث باشد؛ اما مقصود از کلمه «ذکر» همان حقیقت و طبیعت جنس نر است؛ خواه انسان باشد و یا حیوان و یا جماد. از این رو تمایز جنسیتی در معنای دو واژه ذکر و انثی نهفته است و فیمینست مسلمان نمی‌تواند از آن چشم‌پوشی نماید.

۳- شأن نزول آیه

لازم است قبل از بیان دیدگاه‌های تفسیری درباره گزاره «وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنثَى» و شناخت معنای صحیح، آن به شأن نزول آن توجه شود. در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: خداوند متعال به عمران پدر حضرت مریم وحی کرد که به تو پسری مبارک خواهم داد که نابینا و مریض مبتلای به برص را شفا و مرده را با اذن من زنده می‌کند و او را در میان بنی اسرائیل پیامبر قرار خواهم داد. عمران این جریان را به همسر خود که نامش «حنه» بود، گفت. وقتی او حامله شد، گمان می‌کرد فرزندش پسر است. بنابراین خطاب به خدا عرض کرد: خداوندا من آن پسری را که در شکم دارم برای تو نذر کردم که خدمتگذار تو باشد. پس قبول کن از من همانا که تو شنونده و دانایی، اما همین که نوزاد متولد شد و مادر متوجه شد که فرزندش دختر است، عرض کرد: خداوندا من او را دختر زاییدم. خداوند در جواب او فرمود: خداوند بهتر می‌داند که او چه زاییده است. (قمی، ۱۴۰۴: ۱ / ۱۰۱؛ کلینی، ۱۳۶۲: ۱ / ۵۳۵؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۱ / ۱۷۰)

روایت دیگری نیز در برخی منابع عامه منقول است که علامه مجلسی نیز با اشاره به اخذ از تفسیر بیضاوی، آن را نقل نموده، با اینکه در منابع متقدم‌تر عامه نیز نقل شده است. روایت مذکور از لحاظ سندی، مرسل و مضمون آن مبنی بر این است که روزی حنه همسر عمران در حالی که پیرزنی نازا بود، در زیر درختی نشسته بود، پرنده‌ای را دید که به جوجه هایش غذا می‌داد. در این حال با دلی شکسته، از خداوند آرزوی فرزند کرد و گفت: خداوندا! اگر به من پسری عطا کنی، او را خدمتگزار بیت المقدس قرار خواهم داد. (رک: بغوی، ۱۴۲۰: ۱، ۴۳۲؛ خازن، ۱۴۱۵: ۱، ۲۴۰؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲ / ۱۴؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۶ / ۲۳۶)

از میان این دو روایت اولاً آنکه در برخی منابع معتبر یا معروف و مشهور مندرج است، روایت اول است. (رک: قمی، ۱۴۰۴: ۱ / ۱۰۱؛ کلینی، ۱۳۶۲: ۱ / ۵۳۵؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۱ / ۱۷۰) افزون بر اینکه علامه مجلسی در کتاب مرآة العقول تصریح به صحت سندی روایت نخست دارد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۶ / ۲۳۶)

اما روایت دوم مجهول و به جز در مرآة العقول، هیچ منبع حدیثی آن را ذکر نکرده است. با توجه به مشابهت متن منقول مرآة العقول با کتاب انوار التنزیل، مشخص می‌شود که علامه مجلسی نیز آن را از تفسیر بیضاوی گرفته است؛^۱ زیرا غالباً سبک علامه مجلسی در بیان نکات تفسیری در کتاب بحار الانوار و به تبع آن در مرآة العقول، مفسران استفاده حداکثری از تفسیر مجمع البیان طبرسی و انوار التنزیل بیضاوی است. (ر.ک: مصلاهی پور، ۱۳۸۶: ۷۱) همچنین با آیه مورد بحث مخالف است؛ زیرا در روایت دوم آمده است که حنه مادر مریم قبل از حامله شدنش و در حالی که به آن پرنده نگاه می‌کرد، نذر کرد. حال آنکه قرآن می‌فرماید: زن عمران در آن زمان که حامله بود. عرض کرد: خدایا من آنچه را که در شکم دارم برای تو نذر کردم. (آل عمران / ۳۵)

ممکن است این اشکال مطرح گردد که چگونه مادر مریم امید به دنیا آوردن فرزندی دارد که پیامبر خدا است و بیماری برص و کوری را شفا می‌دهد و از جهتی دیگر نذر می‌کند که آن فرزند را خدمتگذار خالص برای بیت المقدس قرار دهد؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت کلمه «محرراً» موجود در آیه مورد بحث، به خدمتگذار خالص؛ یعنی خدمتگذاری که تمام وقت خود را در بیت المقدس برای خدمت سپری کند، معنا شده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴ / ۱۸۱؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۳ / ۲۶۳) البته معانی دیگری نیز برای «محرراً» ذکر شده است؛ از جمله کسی که در عبودیت خداوند متعال خالص باشد؛ به گونه‌ای که به هیچ یک از تعلقات دنیا و صفات ذمیمه آن متصف نباشد. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱ / ۳۵۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۲۴) پس اگر بر مبنای معنای نخست چنین اشکالی وارد باشد، بنا بر معنای دوم، هیچ تناقضی بین مندور شدن مریم(س) برای عبودیت خالص برای خدا و ظرف پیامبر بودنش در سخنان «حنه» مادر مریم(س) نخواهد بود.

۴- فرهنگ یهود در عدم هویت بخشی به جنس زن

فرهنگ و گفتمان دین تحریف شده یهود، حول محور عدم هویت بخشی به زنان و بی‌ارزش و مانع سعادت انسان‌ها پنداشتن جنس زن است. (ر.ک: دورانت، ۱۳۲-۱۷۹؛ صدر، ۱۳۹۵: ۳۱) بنا بر بیان مورخ یهودی، یوسفوس^۲، زنان در جامعه یهودی و طبقه‌های مسیحی پس از آن، در رده پایین تری از مردان قرار دارند؛ توصیه شده است که مردان با زنان خودشان کمتر حرف بزنند، چه رسد به زنان دیگر؛ زنان در معبد فقط در محوطه زنان دسترسی دارند. (ر.ک: کونگ، ۱۳۸۹: ۱۸-۱۹) در سفر جامعه تورات آمده است مردی که نزد خدا صالح و شایسته باشد، کسی است که زن نداشته باشد؛ میان هزار مرد، یک مرد شایسته پیدا می‌شود؛ ولی میان تمام زن‌های عالم، یک زن [شایسته] هم یافت نمی‌شود. (ر.ک: عهد عتیق، سفر جامعه، باب ۷، آیه ۲۶-۲۹)

۱. روی آنها کانت عاقراً عجوزاً، فیینما هی فی ظل شجرة اذ رأت طائراً یطعم فرخه فحنت الی الولد و تمنته فقالت: اللهم ان لک علی نذراً ان رزقتنی ولداً ان اتصدق به علی بیت المقدس فیکون من خدمه، فحملت بمریم و هلک عمران. (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲ / ۱۴؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۳ / ۲۶۳)

2. Jusephus.

از مصادیق فرهنگ مذکور این بود که در کنیسه یهودیان فقط مردان اجازه ورود داشتند. (ر.ک: صفایی، ۱۳۹۵: ۸۵-۱۰۰) یهودیان، مرد سالاری را به جایی رسانده بودند که نزدیکی به خدا را حق مردان خود می دانستند و به زنان اجازه خواندن تورات نمی دادند. در فاصله ۱۰ تا ۲۰۰ سال بعد از مسیح این رسم‌ها از بین رفته بود، ولی باز هم زنان اجازه درس خواندن و یادگیری تورات نداشتند. (تحویلداران، ۱۳۷۸: ۵۵)

مادر مریم به راستی از این نذر خود در پی تحقق بخشیدن هدف‌های مقدس بود، نه در پی امور شخصی؛ یکی از هدف‌ها این بود که دخترش در خدمت دین و خانه خدا باشد؛ در آن به عبادت بپردازد و به مردم کتاب و اخلاق بیاموزد. از این رو می‌خواست خداوند نذر او را بپذیرد. گویا با این سخن در آیه ۳۶ سوره آل عمران از عمق فاجعه فرهنگی جامعه یهود شکایت می‌کند؛ از انجام اعمال خرافی و باطلی که علمای دین اختراع کرده‌اند، در حالی که این اعمال از دین آسمانی که قائل به عدم تبعیض میان زن و مرد است، فاصله زیادی دارند. (مدرسی، ۱۳۸۰: ۷۱) اساساً واژه مریم، در عبری یا سریانی به معنای خدمتگزار معبد است. (محللاتی، ۱۳۶۸: ۲ / ۲۷۶)

گرچه در برخی منابع معجم کتاب مقدس به معنای عاصی با توجه به شخصیت مریم در زمان هارون پیامبر و خواهر بزرگ‌تر او معنا شده است. (یوست، ۱۸۲۴: ۲ / ۳۲۹) در میان لغت‌پژوهان عرب‌زبان، بستانی که با زبان‌های سریانی و عبری و یونانی نیز آشنایی داشته، مریم را واژه‌ای غیر عربی و به معنای مرتفع معنا نموده است. (بستانی، ۱۹۹۳: ۸۴۸) البته غالب مفسران قرآنی، آن را در زبان خود یهودیان آن زمان به معنای خادمه یا خادم الرب (ر.ک: سمرقندی، ۱۴۱۶: ۱ / ۲۰۸؛ طبرانی، ۲۰۰۸: ۲ / ۴۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۱ / ۱۶۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳ / ۵۹۵؛ طبرسی، ۱۳۷۳: ۲ / ۷۳۸) گرفته‌اند.

۵- سیاق آیات

موضوع محوری آیات سوره آل عمران غالباً درباره اهل کتاب به ویژه مسیحیان و عبرت‌گیری مسلمانان از جریان مسأله توحید و شرک در میان آنان است. اما به صورت خاص، سیاق آیات پیشین و پسین آیه مورد نظر، از آیات ۳۳ تا ۳۷ مربوط به زندگانی مریم، ولادت، ارتباط او با معبد و آمدن روزی برای اوست. یعنی موضوع محوری این آیات عبادت مریم است. با توجه به شأن نزول آیه، همچنین سیاق مذکور و نیز وجه تسمیه واژه مریم و نذر مادر او، قاعدتاً آیه مورد نظر در بستر چنین سیاقی باید معنا شود. یعنی بحث از برتری جنسیتی نیست؛ بلکه بحث درباره خدمتگزاری به معبد با توجه به قوای جسمانی ضعیف‌تر زن نسبت به مرد و بحث عدم طهارت زن در روزهای خاص برای حضور در معبد نیز فرهنگ غالب یهود در مواجهه با حضور زنان در کنیسه است. (ر.ک: ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۱ / ۴۲۵؛ ابن‌کنیر، ۱۴۱۹: ۲ / ۲۸؛ سمین، ۱۴۱۴: ۲ / ۷۴)

۶- دیدگاه‌ها درباره گوینده دو گزاره از آیه

در اینکه دو جمله «وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ» و «وَلَيْسَ الذَّكْرُ كَالْأُنثَى» در آیه مورد بحث سخن چه کسی است؛ خداوند یا مادر مریم، سه دیدگاه عمده از سوی مفسران مطرح است. در ادامه به بررسی این دیدگاه‌ها پرداخته می‌شود؛ چرا که اگر قائل آنها مادر مریم (س) باشد، دیگر سخن منسوب به شرع نیست؛ بلکه سخن مادر مریم (س) و یا همسر عمران است که حجیتی بر آن مترتب نبوده تا اشکال شود که در متون دینی از جمله قرآن، خطابات جنسیتی زده است و نشان از مردسالاری دینی. قرآن فقط تکلم آن توسط مادر مریم (س) را بر این مبنا تأیید می‌کند؛ اما تأیید محتوای آن از لحاظ صدق و درستی متکلم، بحث دیگری است. مانند نقل سخنان افرادی چون فرعون و نمرود که قرآن فقط آنها را در راستای بیان سرگذشت‌های عبرت‌آمیز به کار می‌برد؛ (ر.ک: نازعات/ ۲۴) اما اگر خداوند متعال آن را در زمان ولادت مریم (س) تکلم نموده باشد، باید در صدد توجیه و تبیین دیدگاه الهی و کشف مصلحت در برتری جنسیت مرد نسبت به زن حداقل در آیه مورد نظر بود.

۱-۶- مشهور

دیدگاه اغلب مفسران سخن خدا بودن «وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ» و کلام مادر مریم بودن «وَلَيْسَ الذَّكْرُ كَالْأُنثَى» است. (طبرسی، ۱۳۷۳: ۲/ ۷۳۷؛ قرطبی، ۱۳۶۳: ۴/ ۶۷؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲/ ۱۴؛ سبزواری نجفی، ۱۴۰۷: ۲/ ۴۶) یعنی جمله «وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ» جمله معترضه و سخن خداوند به شمار می‌آید. بعد از اینکه مادر مریم (س) حسرت و پشیمانی خود را از فرزندی که به دنیا آورده به خداوند اعلان می‌کند، خدا در بیان عظمت و برتری آن دختر فرمود: «وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ» بدان معنا که خداوند داناتر است از آنچه که به دنیا آوردی. سپس مادر مریم در ادامه سخن خود عرض می‌کند: «وَلَيْسَ الذَّكْرُ كَالْأُنثَى» یعنی خدایا، تو می‌دانی که پسری که در ذهن داشتیم، همانند دختر نیست؛ چرا که پسر توانایی‌هایی دارد که دختر ندارد. پسر می‌تواند خدمتگذار بیت المقدس قرار گیرد؛ اما دختر به سبب مبتلا بودن به عادات ماهانه نمی‌تواند. پسر به جهت قدرت و توان جسمی که دارد، می‌تواند کارهای سخت و سنگین را انجام دهد؛ اما دختر قدرت انجام آن کارها را ندارد. پسر می‌تواند با افراد مختلف جامعه روابط اجتماعی برقرار کند و عیبی بر او به حساب نمی‌آید؛ اما دختر نمی‌تواند. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۸/ ۲۰۴) چنین تفاوت‌هایی را مفسران تفاوت مصلحتی در پسر و دختر نسبت به شغل خاص یا به عهده گرفتن منصبی ویژه عنوان نموده‌اند. مثلاً طبرسی این جمله را آورده است:

«لأنها لا تصلح لما يصلح الذكر له.» (طبرسی، ۱۳۷۳: ۲/ ۷۳۷)

یعنی گزاره قرآنی پسر مانند دختر نیست، به سبب مصلحت‌هایی است که پسر نسبت به دختر حداقل در جامعه بنی اسرائیل در محرر شدن داشته است.

در اینکه جمله اول سخن خداوند متعال است، جای تردیدی نیست. همانگونه که اکثر مفسران بر این باورند؛ اما اینکه جمله «وَلَيْسَ الذَّكْرُ كَالْأُنثَى» سخن مادر مریم پنداشته شود، جای تأمل دارد، چرا که اگر این کلام، سخن مادر مریم بود، می‌بایست کلمه انثی را بر ذکر مقدم می‌کرد؛ زیرا وجه شبه که بر اساس دیدگاه برخی مفسران و رعایت انگیزه مادر مریم (س) از نذر فرزند برای کنیسه، قدرت و توانایی بر خدمتگذاری است، در ذکر که «مشبه به» است، قویتر می‌باشد. در حالی که ملاحظه می‌شود کلمه ذکر در جمله مورد بحث بر انثی مقدم شده است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳ / ۱۷۲؛ سبزواری، ۱۴۰۹: ۵ / ۲۴۵)

البته ممکن است گفته شود که منظور از ذکر و انثی در آیه جنس آنها نیست، بلکه مقصود از ذکر، آنی است که مادر مریم (س) از خداوند برای خدمتگذاری طلب کرده بود. مقصود از انثی حضرت مریم (س) است که خداوند به همسر عمران عطا کرد. در این صورت وجه شبه یعنی برتری و ترجیح در خدمتگذاری به سبب کارایی بیشتر، در انثی قویتر و ظاهرتر خواهد بود. اما این سخن مورد قبول نیست چون همان گونه که گفته شد، مادر مریم پس از آنکه از همسرش شنید خداوند به او پسری عطا می‌کند که از پیامبران قرار خواهد گرفت، از خدا درخواست فرزند کرد. پس آن ذکر که مادر مریم (س) از خدا درخواست کرد، طبق روایات، پیامبر خدا و کسی شبیه نوح‌اش حضرت عیسی (ع) است. (قمی، ۱۴۰۴: ۱ / ۱۰۱؛ کلینی، ۱۳۶۲: ۱ / ۵۳۵) تردیدی در این نیست که جایگاه حضرت مریم (س) هرچقدر که والا و بزرگ باشد، لیکن به مقام پیامبران نمی‌رسد. خصوصاً اگر آن پیامبر از پیامبران اولوالعزم باشد.

۳-۶- مبتنی بر اختلاف قرائت

همانگونه که گفته شد اغلب مفسران جمله «وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ» را معترضه و سخن خداوند شمرده‌اند؛ اما در این میان بعضی از مفسران بنا بر قرائت کلمه «وَضَعَتْ» با تاء متکلم (ت) به صورت «وَضَعْتُ»، آن را سخن مادر مریم (س) پنداشته‌اند.

شریف لاهیجی در تفسیر خود این قرائت را به امیرالمؤمنین علی (ع) نسبت داده است. (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۱ / ۳۱۸) دیگر مفسران همانند قرطبی و ابن عاشور و برخی دیگر این قرائت را به ابن عامر، عاصم و یعقوب نسبت داده‌اند. (قرطبی، ۱۳۶۴: ۴ / ۶۷؛ ابن جزری، ۱۴۲۳: ۱۳۴؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۳ / ۸۶) بنابراین قرائت، گزاره مورد بحث، سخن مادر مریم (س) خواهد بود.

دیدگاه مذکور بیان می‌دارد که علاوه بر جمله «وَلَيْسَ الذَّكْرُ كَالْأُنثَى» جمله «وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ» هم ادامه سخن مادر مریم است و هیچ جمله معترضه‌ای در این آیه وجود ندارد.

در نقد این دیدگاه باید گفت:

اولاً: این قرائت، قرائتی است که دیگر قاریان به غیر از سه قاری گفته شده آن را روایت یا قرائت ننموده‌اند؛ بلکه «وضعت» را با تاء ساکنه (ت) و به صیغه مخاطب غائب قرائت کرده‌اند. (بناء، بی تا، ۱۷۳) در این صورت نمی‌توان جمله «وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ» را از سخنان مادر مریم(س) در نظر گرفت؛ ثانیاً: از آنجا که در جمله قبل از عبارت «وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ»، مادر مریم، خداوند را با کلمه رَبِّ مورد خطاب قرار داده است، پس مناسب این بود که برای بار دوم به جای کلمه «الله»، ضمیر مخاطب «انت» را به کار می‌برد؛ یعنی اینگونه بگوید: «وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ». در این صورت ضمیر «انت» به رَبِّ بر می‌گردد، اما استعمال اسم ظاهر خداوند برای بار دوم بر خلاف روش محاوره‌ای است. (قرطبی، ۱۳۶۴: ۴ / ۶۷)؛ زیرا موقع گرفتاری تعبیر و تکرار واژه «رب» مناسب‌تر است.

ثالثاً: از آنجا که سخن مادر مریم(س) در «رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَى» همانطور که از سیاق و لحن خطاب پیدا است، با حالت حسرت، غبطه و ناراحتی بوده است، مناسب‌تر این است که جمله «وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ»، سخن خدا قرار داده شود. این نظریه از سخن برخی از مفسران مانند طبرسی و بیضاوی قابل استظهار است. (طبرسی، ۱۳۷۳: ۲ / ۷۳۷؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲ / ۱۴) اگر مقصود از «رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَى»، اخبار بوده است؛ بدین معنا که خدایا من او را دختر به دنیا آورده‌ام. حال، چگونه نذر من را ادا کنم؟ و بعد از چند لحظه که به خود آمد و متوجه شد که خداوند به جمیع امور آگاه است، در جواب خود گفت: «وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ» ولی این فرض در مورد مادر مریم(س) با توجه به شخصیت صالحه او به نقل از برخی منابع تفسیری (قاسم، ۱۴۳۶: ۱ / ۴۲۶) دور از تصور است.

۵-۶ - مبتنی بر معترضه بودن هر دو گزاره

این دیدگاه بر خلاف دیدگاه اول و دوم، هر دو جمله را معترضه و به خدا نسبت می‌دهد. (میبدی، ۱۳۷۱: ۲ / ۹۹؛ گنابادی، ۱۳۶۲: ۱ / ۲۵۹؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳ / ۱۷۲؛ سبزواری، ۱۴۰۹: ۵ / ۲۴۵؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۲ / ۶۴) به عنوان نمونه علامه طباطبایی می‌فرماید: علاوه بر جمله اول، متکلم جمله «وَلَيْسَ الذَّكْرُ كَالْأُنْثَى» نیز خداوند متعال است، نه مادر مریم(س). اگر سخن مادر مریم(س) می‌بود، مناسب بود که انثی را بر ذکر مقدم کند و این چنین بگوید «وَلَيْسَ الْأُنْثَى كَالذَّكْرِ» آن مولودی که به من عطا کردی آن چیزی نیست که من خواسته بودم. پس الف و لام در هر دو کلمه «الذَّكْرُ» و «الْأُنْثَى» الف و لام عهد است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳ / ۱۷۲)

در این میان، گنابادی و میبیدی دلالت آیه را بر این اساس بر برتری جنس مذکر نسبت به مونث دانسته‌اند. (میبیدی، ۱۳۷۱: ۲/ ۹۹؛ گنابادی، ۱۳۶۲: ۱/ ۲۵۹) اما علامه طباطبایی دلالت آن را بر برتری مریم(س) بر پسر (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳/ ۱۷۳) شمرده است.

۶-۶- نقد و بررسی

در نقد دلیل دیدگاه سوم باید گفت:

اولاً: هرچند مناسب این بود که اگر سخن مادر مریم(س) بوده، «انثی» را بر «ذکر» مقدم بدارد؛ اما گاهی در کلام عرب و حتی آیات قرآن دیده شده است که به سبب نکته‌ای ادبی و بلاغی، لفظی که جایگاهش مؤخر بوده، در کلام مقدم شده است. همانند آیه

«يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ...» (احزاب / ۳۲)؛ ای همسران پیامبر، شما مانند هیچ یک از زنان [دیگر] نیستید.

یا در آیه دیگر فرموده است:

«أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ...» (نحل / ۱۷)؛ پس آیا کسی که می‌آفریند چون کسی است که نمی‌آفریند؟

در آیه نخست گرچه اگر آیه در مقام تمجید از زنان پیامبر نیست و نسبت به آنها تحذیر دارد؛ اما آنها را با این فرض خطاب می‌کند که شما زنان پیامبر هستید و باید رعایت این شأن را به صورت قاعده آن مقام رعایت نمایید. و بر اساس این فرض با اینکه مصداق‌های وجه شبه‌دار در «أحد النساء» و «من لا يخلق» بیشتر از «نساء النبی» و «من يخلق» است و باید اینگونه می‌فرمود: «يَا نِسَاءَ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ نِسَاءِ النَّبِيِّ» و همچنین «أَفَمَنْ لَا يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ». اما به علّت اینکه احساسات افراد را تحریک و آنها را به فکر کردن سوق دهد، اینگونه فرمود: آیا شما زنانی که شرف همسری پیامبر خدا را دارید، خود را همسان زنان دیگر می‌پندارید. و در آیه دیگر اینگونه فرمود: آیا کسی که همه چیز را آفریده و تمام نعمت‌ها را به شما بخشید، همانند کسی است که خودش مخلوق است و نیازمند به خالق. و همین گونه در آیه مورد بحث، در گزاره «وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنثَى» خداوند به سبب اینکه همسر عمران را به فکر کردن وا دارد، اینگونه به او خطاب می‌کند: ای همسر عمران! بدان که پسر همانند آن دختری که من به تو داده‌ام نیست. شاید به همین سبب است که دیدگاه علامه طباطبایی برتری یافتن مریم نسبت به همه پسران به عنوان کلام خدا انتخاب شده است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳/ ۱۷۳)

ثانیاً: نسبت دادن جمله «وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنثَى» به خداوند با روایت شأن نزول که از امام صادق(ع) نقل شد منافات دارد. حضرت در این روایت «وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنثَى» را سخن مادر مریم قرار داده و در ادامه بیان کرده‌اند، مقصود مادر مریم از این جمله این است که خداوند دختری که به من عطا فرموده‌ای، نمی‌تواند پیامبر تو قرار

گیرد. این نکته لازم به یادآوری است که روایت پیش گفته در برخی منابع معتبر یا معروف و مشهور مندرج است (ر.ک: قمی، ۱۴۰۴: ۱ / ۱۰۱؛ کلینی، ۱۳۶۲: ۱ / ۵۳۵؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۱ / ۱۷۰) و علامه مجلسی در کتاب مرآة العقول تصریح به صحّت سندی آن دارد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۶ / ۲۳۶)

ثالثاً: بعید نیست زمان بیان این جمله توسط مادر مریم، هنگامی باشد که پی برده است خدا به او دختری طاهر و برگزیده زنان جهان عطا کرده که مادر عیسی(ع) خواهد بود. بنابراین، این عبارت، سخن خداوند نیست؛ بلکه سخن مادر مریم است که برای تعظیم و تفضیل این دختر گفت: «وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنثَى» یعنی پسر هرچه باشد؛ لکن همانند این دختری که خدا به من داده نخواهد شد. چنان که آلوسی نیز چنین دیدگاهی را برگزیده است. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲ / ۱۳۰)

۷- دیدگاه مختار

پیش از بیان دیدگاه مختار، لازم است تا بر اساس دیدگاه‌ها درباره خطابات آیه مذکور، ارتباط آن با مردسالاری خطابات روشن شود و سپس سراغ نقد و بررسی دلالت آن رفت. با توجه به بررسی دیدگاه مهمترین مفسران فریقین، می‌توان گفت که سه دیدگاه با توجه به متکلم آیه وجود دارد که پیامدهای آن در ارتباط با ادعای مردسالاری در جدول ذیل مشخص شده است:

دیدگاه	«وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ»	«وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنثَى»	ارتباط با مردسالاری قرآن
مشهور	کلام خداست. بنابراین جمله معترضه‌ای است در میان سخنان مادر مریم(س)	سخن مادر مریم(س) است؛	مردسالاری نیست؛ بلکه اولاً سخن مادر مریم(س) است نه خدا؛ ثانیاً به عنوان اشاره به تفاوت‌های مصلحتی بین دختر و پسر برای امری خاص چون متحرر شدن است.
مبتنی بر اختلاف قرائت	«وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ» بوده و کلام مادر مریم(س) است.	سخن مادر مریم(س) است؛	مردسالاری نیست؛ بلکه اولاً چنین قرائتی شاذ است نسبت به دیگر قرائت‌ها؛ ثانیاً در نهایت سخن مادر مریم(س) است و مردسالاری دین از آن استخراج نمی‌شود.
مبتنی بر معترضه بودن	کلام خداست. بنابراین جمله معترضه‌ای است در	کلام خداست. بنابراین جمله معترضه‌ای است	اولاً معترضه بودن جمله دوم با روایت شأن نزول ناسازگار است؛ ثانیاً با توجه به قرینه «فی بطنی» به ضمیمه

اعجاز بودن این داستان، ظهور در این دارد که مادر مریم (س) می دانسته که او دختر شده است و این جمله را از باب تعظیم مریم (س) نسبت به دیگر فرزندان حتی پسران گفته است نه اینکه خدای متعال آن را از باب فضیلت گویی مریم گفته باشد.	در میان سخنان مادر مریم (س)	میان سخنان مادر مریم (س)	
---	-----------------------------	--------------------------	--

از این رو تنها دیدگاهی که ممکن است مورد سوء استفاده برای اثبات مردسالاری قرار گیرد، همان دیدگاه سوم یعنی کلام خدا دانستن «وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنثَى» است. در جواب نقضی که در جدول بیان گردید، گفته شد که توجه به سبک داستان و اینکه خرق عادت را از جمله بچه دار شدن یک پیرزن، بشارت شوهرش که فرزند تو پیامبر خواهد بود که کور و برص را شفا می دهد، بیان می کند، نشان می دهد که هیچ استبعادی ندارد که در میان بارداری به گونه اعجاز فهمیده باشد آن که در شکم اوست، دختر است و از این رو آن سخن را گفته است که گرچه می دانم دختر است و متحرر شدن دختر در معبد در میان بنی اسرائیل عرف نیست؛^۱ اما چون فهمیده ام هم خود او شخصیتی بزرگ است هم ظرفی است که پیامبر بزرگی را در آینده حمل خواهد کرد، پس قابل مقایسه با مذکر نیست. این سخن از دو جهت از اشکال فمینیسمی و مردسالاری آیات قرآن احتراز می نماید؛ یکی اینکه گوینده آن با این تفاسیل، مادر مریم است نه خدا، دوم اینکه قضیه مردسالاری نیست؛ بلکه بالعکس، اقراری است نشان دهنده بالاتر بودن شخصیتی با جنسیت مؤنث بر دیگران حتی جنسیت مذکر.

البته چنین تحلیلی به صورت خاص نسبت به آیه مورد بحث مطرح شد؛ گرچه به عنوان پاسخ های عام تر می توان در بستر توجه به نقص در تعقل خاصی چون معیشت و قضاوت با توجه به غلبه احساسات نه هر نوع تعقل و ... پاسخ داد. (ر.ک: علایی رحمانی، ۱۳۸۳: ۱۱۸-۱۲۴)

۱. گاهی پیامبران برای فرهنگ سازی مطلبی صحیح یا از بین بردن فرهنگی غلط گاهی به عمد رفتاری خارج عرف داشته اند. مانند قضیه ازدواج پیامبر اکرم (ص) با زینب بنت جحش پس از طلاق از زید پسر خوانده پیامبر (ص) که در آیه ۳۷ سوره احزاب گفته شده است. (طبرسی، ۱۳۷۳: ۸/۵۶۴)؛ اما در مسأله مورد بحث، مذاق دین این است که زن همچنان مانند مرواریدی در صدف عفاف و حجاب باقی بماند و جز در موارد ضروری، دست از وظیفه مادری و تربیت فرزندان بر ندارد. همچنین این سخن، کلام مادر مریم (س) است نه یک پیامبر معصوم. نهایتاً استبعادی در رعایت عرف نسبت به عدم خدمتگزاری زنان در معبد در دوران زندگانی مادر مریم (س) نیست. هرچند ممکن است مصالحی فراتر از رعایت مقتضای عرف نیز از سوی خدا لحاظ شده باشد.

در نهایت نظریه مختار تلفیقی است از نظریه مشهور و نظریه سوم؛ بدین گونه که متقن‌ترین دیدگاه به متکلم دو گزاره «وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ» و «وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَى» به ترتیب خدای متعال و مادر حضرت مریم (س) است. در این صورت، جمله نخست، معترضه و جمله دوم یک جمله غیر معترضه خواهد بود. از آنجا که متکلم جمله دوم، خدا نیست، ایرادی از سوی مدعیان فمینیسم نیز بر آن وارد نخواهد بود؛ زیرا در این حالت، قرآن فقط ناقل کلام مادر مریم (س) است. مانند نقل کلام کافران و مشرکان که یا در همان آیه یا در جای دیگر قرآن با توجه به دلالت آیه یا آیات و مباحثی چون سیاق و شأن نزول می‌توان باطل بودن کلام آنها را کشف نمود یا باید در سنت به عنوان مبین قرآن، کشف بطلان آن را پیگیری نمود. همچنین انگیزه مادر مریم (س) یا این است که من پسر نذر کردم و حال که فرزند دختر به دنیا آوردم، آن چیزی که از پسر در خادم معبد شدن توقع داشتم از دختر بر نمی‌آید. مگر اینکه معنای محرر را به معنای عابد با اخلاص بگیریم که در این صورت، مریم نیز می‌تواند محرر محسوب شود و این انگیزه با معنای دوم محرر سازگار نخواهد بود. انگیزه بعدی این است که در مقام تفضیل این سخن از مادر مریم (س) صادر شده باشد نه در مقام حسرت و غبطه. یعنی بگوید گرچه فرزندم علی رغم میل اولیه‌ام، دختر شد؛ اما او دختری است که آن قدر دارای شرافت و فضیلت است که با هیچ پسری حتی پسری که به عنوان خادم کنیسه بنی اسرائیل نذر شده باشد، قابل مقایسه نیست. علاوه بر شرافت شخصیت مریم (س)، او ظرف پیامبری خواهد بود که کور و برص را شفا دهد و مرده را به اذن خدا زنده کند. بنابراین آنچه درباره الف و لام در الذکر و الانثی می‌توان بر اساس نظریه مختار گفت این است که الف و لام در «الذکر» الف و لام جنس (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۳۰؛ سمین، ۱۴۱۴: ۷۴ / ۲) و الف و لام در «الانثی» الف و لام عهد حضوری است. (میبدی، ۱۳۷۱: ۹۹ / ۲؛ گنابادی، ۱۳۶۲: ۱ / ۲۵۹) یعنی این دختر بر جنس مرد برتر است. نه آنچه در دیدگاه سوم گفته شد که برخی از مفسران در این دیدگاه هر دو الف و لام را عهدی می‌دانند؛ زیرا همه این موارد به صورت زنجیروار به هم مربوط است و معترضه دانستن و نداشتن، متکلم را نشان می‌دهد و نیز بیان انگیزه از تکلم چنین گزاره‌ای سبب می‌شود تا نوع الف و لام مشخص گردد.

نتیجه‌گیری

از آنچه ذکر شد که در (آل عمران: ۳۶)، از جهت اینکه ممکن است جریان فمینیسم به ویژه با رویکرد زبان‌شناختی و هرمنوتیکی آن را نوعی گفتار مردسالارانه در گزاره «وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَى» بدانند، باید گوینده گزاره مذکور را مشخص نمود. دیدگاه مفسران به سه نوع کلی مشهور، مبتنی بر اختلاف قرائت و مبتنی بر معترضه بودن دو گزاره قرآنی «وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ» و «وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَى» قابل تقسیم است. نگاه مشهور بر این استوار است که تنها جمله «وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ» معترضه بوده و متکلم آن خداست؛ اما «وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَى» جمله مادر مریم (س) و به سبب مقایسه مصالح و فوایدی است که پسر نسبت به دختر در خدمتگزاری به کنیسه

یهود خواهد داشت. عادت ماهیانه ندارد، قدرت جسمی بیشتری دارد، بحث حجاب و حیا نسبت به نامحرمان را به عنوان ساتر کل بدن ندارد. دیدگاه مبتنی بر اختلاف قرائت در صدد اثبات قرائت گزاره «وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ» به شکل «وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ» بود تا اثبات کند همه فقرات آیه، دارای یک متکلم یعنی مادر حضرت مریم (س) است؛ اما به سبب شذوذ قرائت و ارسال سند روایت آن، قابل پذیرش نیست؛ گرچه بر فرض پذیرش، دلالت آیه مورد بحث بر مردسالاری کاملاً منتفی می‌شد؛ زیرا آیه در مقام نقل کلام مادر مریم (س) بوده و کلام او نیز از این جهت که فقط کلام یک شخص عادی و غیر معصوم است، برای انتساب به دین حجت نمی‌باشد؛ زیرا یا در خود آیه یا در آیات دیگر قرآن یا در سنت معتبر به عنوان مبین قرآن، توجه به بطلان چنین نگاهی داده شده است. این مطلب با این ضمیمه این اشکال را ایجاد نمی‌کند که با این بیان، باطل در قرآن راه پیدا می‌شود؛ زیرا قرآن گاه کلام غلط را بیان می‌کند؛ مانند سخن فرعون در ربّ اعلیٰ بودنش؛ اما در ادامه یا جای دیگری با منضم نمودن روایات معتبر این باطل در قرآن راه پیدا نخواهد کرد. اصولاً یکی از علّت‌های تحریف معنوی آیات نیز توجه کردن به ظاهر آیه و جزیره‌ای دیدن دلالت آن بدون ملاحظه آیات نظیر و مشابه و نیز سنت معتبر است. هیچ‌گاه تحریف معنوی آیات توسط اشخاص، راه بردن باطل به قرآن تعبیر نشده است. دیدگاه سوم، دیدگاهی است که تلاش می‌نماید تا معترضه بودن «وَلَيْسَ الذَّكْرُ كَالْأُنْثَى» را علاوه بر معترضه بودن «وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ» اثبات کند. در صورت موفقیت در اثبات، یکی از نظرگاه‌هایی می‌شود که می‌تواند توسط جریان فمینیسم به عنوان آیه حاوی گزاره مردسالارانه تلقی شود. اما با روایت شأن نزول ناسازگار است. در نهایت نظریه مختار تلفیقی است از نظریه مشهور و دیدگاه سوم؛ بدین گونه که متکلم دو گزاره «وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ» و «وَلَيْسَ الذَّكْرُ كَالْأُنْثَى» به ترتیب خدای متعال و مادر حضرت مریم (س) و در نتیجه، جمله نخست، معترضه و جمله دوم یک جمله غیر معترضه خواهد بود. از آنجا که متکلم جمله دوم در زمان داستان ولادت مریم (س)، خدا نیست؛ بلکه در قرآن فقط نقل داستان صورت گرفته است و شبهاتی مانند فمینیسم را باید با استنطاق قرآن و ضمیمه نمودن سنت معتبر با روش اجتهادی پاسخ داد، ایرادی از سوی مدعیان فمینیسم نیز بر آن وارد نخواهد بود. بدین معنا که گاه قرآن فقط حادثه یا عبارت را نقل می‌کند؛ اما این به معنای صحه گذاشتن بر کلام او نیست؛ به ویژه بر سخنان افراد غیر معصوم؛ چنان که سابقاً نیز اشاره شد. از این رو برای اینکه این اشکال نشود که باطل در قرآن راه پیدا نموده است، راهبرد استفاده توأمان از آیات به صورت ارجاع متشابه به محکم و نیز توجه به آیات نظیر و التفات به سیاق را در کنار بهره‌مندی از روایات معصومان و تاریخ مسلم و دیگر دانش‌های مورد نیاز در تفسیر از سوی قرآن‌پژوهان معاصر توصیه شده است. همچنین انگیزه مادر مریم (س) یا مقایسه دختر و پسر در موردی که نذر کرده بود – یعنی خدمتگزاری به معبد – است و یا تفضیل و تعظیم مقام حضرت مریم (س) هم به سبب شخصیت والای خود او و هم ظرف بودن برای پیامبری که کور و برص را شفا دهد و مرده را به اذن خدا زنده کند.

منابع

✽قرآن کریم.

✽عهد عتیق، لندن: دارالسلطنه / بایبل سوسایتی، ۱۹۲۵ م.

- ابن عاشور، محمدطاهر، (۱۴۲۰ ق)، *التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور*، بیروت، مؤسسة التاريخ العربی.
- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، (۱۴۲۲ ق)، *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۱۹ ق)، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق)، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
- آلوسی، سید محمود، (۱۴۱۵ ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- بستانی، بترس، (۱۹۹۳ م)، *محیط المحيط*، بروت، ناشرون.
- بغوی، حسین بن مسعود، (۱۴۲۰ ق)، *تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- بناء، احمد بن محمد، (بی تا)، *اتحاف فضلاء البشر فی القرائات الاربع عشر*، بیروت، دار الندوة الجديدة.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۲۰ ق)، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- پوست، جورج ادوارد، (۱۸۹۴ م)، *قاموس الکتب المقدس*، بیروت، مطبعة الامیر کاتبه.
- تحویلداران، آسیه، (۱۳۷۸ ش)، *حضرت مریم (س) نگاهی تطبیقی بین اسلام و مسیحیت*، تهران، بنیاد نهج البلاغه.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی، (۱۴۱۴ ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دار الفکر.
- خازن، علی بن محمد، (۱۴۱۵ ق)، *تفسیر الخازن المسمی لباب التأویل فی معانی التنزیل*، بیروت، دار الکتب العلمیة و منشورات محمد علی بیضون.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، دمشق، دار الشامیة.
- دورانت، ویلیام جیمز، (۱۳۷۰ ش)، *لذات فلسفه*، ترجمه: عباس زریاب خوبی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- زمانی، محمدحسن، (۱۳۹۱ ش)، *مستشرقان و قرآن*، قم، بوستان کتاب.
- زمخشری، محمود، (۱۴۰۷ ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت، دار الکتب العربی.
- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله، (۱۴۰۶ ق)، *الجدید فی تفسیر القرآن المجید*، بیروت، دار المعارف للمطبوعات.
- سمرقندی، نصر بن محمد، (۱۴۱۶ ق)، *تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم*، بیروت، دار الفکر.
- سمین، احمد بن یوسف، (۱۴۱۴ ق)، *الدر المصون فی علوم الکتب المکنون*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- شریف لاهیجی، محمد بن علی، (۱۳۷۳ ش)، *تفسیر شریف لاهیجی*، تهران، دفتر نشر داد.
- شیرزاد، محمدحسین و دیگران، (۱۳۹۵ ش)، *رہیافتی زیاتشناختی به برابری جنسیتی در قرآن کریم؛ تقدی بر فمینیسم اسلامی*، نشریه مطالعات قرآن و حدیث، ش ۱۸.
- صدر، سیدحسن، (۱۳۹۵ ش)، *حقوق زن در اسلام و اروپا*، تهران، بدرقه جاویدان.
- صفایی، حسن، (۱۳۹۵ ش)، *مقایسه حیات دینی یهود در دوران پراکندگی در کنعان از دوره معید اول تا تخریب دوم*، معرفت ادیان، ش ۲۷.
- طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۹۰ ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، (۲۰۰۸ م)، *التفسیر الکبیر*، اردن، دار الکتب الثقافی.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۳ ش)، *مجمع البیان فی علوم القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- طریحی، فخر الدین، (۱۳۷۵ ش)، *مجمع البحرین*، تهران، مرتضوی.
- علایی رحمانی، فاطمه، (۱۳۸۳ ش)، *تحلیلی بر خطبه ۸۰ نهج البلاغه*، مجله پژوهشنامه نهج البلاغه، ش ۹ و ۱۰.

- عماد زاده حسین، (۱۳۷۴ ش)، *تاریخ انبیا از آدم تا خاتم*، تهران، انتشارات اسلام.
- عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰ ق)، *تفسیر العیاشی*، تهران، المطبعة العلمية.
- فخر رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، (۱۴۲۰ ق)، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ ق)، *العین*، قم، انتشارات هجرت.
- قاسم، احمد بن عبدالرحمن، (۱۴۲۰ ق)، *تفسیر القرآن بالقرآن و السنة و الآثار و بالاسلوب الحدیث*، ریاض، دار کنوز اشبیلیا للنشر و التوزیع.
- قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۷ ش)، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران، بنیاد بعثت.
- قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۶۴ ش)، *الجامع لاحکام القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
- قسی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴ ق)، *تفسیر التمی*، قم، دار الکتب.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۲ ش)، *الکافی*، تهران، انتشارات دار الکتب الاسلامیه.
- کونگ، هانس، (۱۳۸۹ ش)، *زن در مسیحیت*، ترجمه: طیبه مقدم و حمید بخشنده، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- گنابادی، سلطان محمد، (۱۴۰۸ ق)، *تفسیر بیان السعاده فی مقامات العبادة*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- مانسوخ، رودلف، (۱۳۴۱ ش)، *زبان آرامی در دوره هخامنشی*، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تهران، ش ۲.
- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۴ ق)، *مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- محلانی، ذبیح الله، (۱۳۶۸ ش)، *ریاحین الشریعه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- مدرسی، محمد تقی، (۱۳۸۰ ش)، *آزادی و مسئولیت زن*، تهران، محبان الحسین.
- مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰ ش)، *التحقیق فی کلمات القرآن*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مصلایی پور، عباس، (۱۳۸۶ ش)، *روش تفسیری قاضی بیضاوی و جایگاه تفسیر وی*، مطالعات قرآن و حدیث، ش ۱.
- میبدی، رشید الدین احمد بن ابی سعد، (۱۳۷۱ ش)، *کشف الاسرار و عدة الابرار*، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- نحاس، احمد بن محمد، (۱۴۲۱ ق)، *اعراب القرآن*، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون..

Badran, Margot (2002), *Gender*, In: Encyclopedia of Quran, Boston: Leiden.

Giddens, Anthony (2009), *Sociology*, Cambridge: Polity Press.

Wadud, Amina (1999), *Quran and woman*, New York: Oxford university press.